

یکشنبه 3 شهریور 1398 - 23 ذی الحجه 1440 - 25 آگوست 2019

اشغال ایران توسط متفقین در جریان جنگ جهانی دوم (1320 ش)



اشغال ایران توسط متفقین، در حین جنگ جهانی دوم (1320 ش)، از اواخر سال 1309 ش رضاخان روابط نزدیکی را با آلمان پایه‌ریزی کرد تا بتواند تهدیدات انگلستان و روسیه را خنثی کند. این روابط با شروع جنگ جهانی دوم گرم‌تر شد. رضاشاه صدها آلمانی را دعوت کرد تا به عنوان مستشار و متخصص در سازمان‌های دولتی و به ویژه در ارتش خدمت کنند. در سال 1320 ش و در بحبوحه جنگ جهانی دوم هنگامی که رضاخان تقاضای شوروی و انگلستان را برای اخراج آلمانی‌ها از ایران رد کرد این دولت‌ها با هماهنگی کامل، تصمیم گرفتند سرزمین ایران را اشغال کنند. سرانجام در بامداد سوم شهریور 1320 ش، سفیران انگلیس و شوروی به طور جداگانه یادداشت‌هایی تسلیم دولت ایران نمودند. در این یادداشت اعلام شده بود که چون دولت ایران در مقابل متفقین و درخواست‌های آنان مبنی بر عدم همکاری با مستشاران آلمانی و به خدمت گرفتن جاسوسان آن کشور، سیاست مبهمی در پیش گرفته و در اخراج عمال آلمان، اقدامی نکرده است، ارتش‌های شوروی و انگلیس وارد ایران شده و مشغول پیشروی هستند. شوروی، شمال، و انگلیس، جنوب ایران را متصرف شد. مرز این دو بخش، خطی فرضی بود که از میان تهران می‌گذشت و خود تهران هم در اشغال هر دو طرف بود. رضاخان در ابتدا تصمیم به مقاومت گرفت اما چون فاقد پایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود و مردم از عملکرد مستبدانه و سیاست‌های او ناراضی بودند، نتوانست در برابر بیگانگان دوام بیاورد. بنابراین حکومت دیکتاتوری شانزده ساله رضاشاه تحت فشار اشغال‌گران فرو ریخت و او مجبور به استعفا و خروج از کشور شد. ورود نیروهای متفق به ایران در حالی صورت گرفت که دولت ایران، پیش از آن، نسبت به جنگ جهانی دوم، اعلام بی‌طرفی کرده بود. با این حال، اشغالگران روسی و انگلیسی، بدون توجه به این امر، قسمت‌های وسیعی از خاک کشور را اشغال نمودند و مصائب بی‌شماری برای مردم به وجود آوردند. در چنین شرایطی به یکباره، زبان‌های بسته باز شد و گلوهای گرفته، به نفس کشیدن افتاد. بازار انتقاد از اوضاع گذشته رواج یافت و پس از سال‌ها سکوت مرگبار، حملات به حکومت سراسر دیکتاتوری شانزده ساله رضاخانی آغاز شد. اشغال ایران که از سوم شهریور سال 1320، با تهاجم نیروهای انگلیس و شوروی از جنوب و شمال صورت گرفته بود، تا پایان جنگ در سال 1324، ادامه یافت.

آغاز نخستین دوره مذاکرات صلح بین ایران و عراق با نظارت سازمان ملل متحد (1367 ش)، با خاموش شدن صدای توپ و تفنگ در جبهه‌ها و پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مبارزه در صحنه سیاسی متوقف نگردید، بلکه ابعاد وسیع‌تری گرفت و دور جدیدی از تلاش‌های دیپلماتیک با هدف اجرای کامل قطعنامه 598 آغاز گردید. در راستای این امر، در عصر روز سوم شهریور 24 (1367 اوت 1988 م) اولین جلسه مذاکره بین وزرای خارجه ایران و عراق و دبیر کل سازمان ملل متحد در ژنو آغاز شد. اگر چه در این دور از مذاکرات، صحبت‌ها به طور واضح و ملموس، روشن نبود و در اجرای بندهای قطعنامه، پیشرفتی حاصل نشد، لیکن جمهوری اسلامی ایران توانست طی بیست روز مذاکره، به بهترین وضعیت مذاکراتی، سیاسی و تبلیغاتی دست یابد. هیئت جمهوری اسلامی ایران، اهرم‌های خود را با حوصله و تدریج مطرح ساخت و توانست جلوی کارشکنی‌های عراق را بگیرد. دور دوم مذاکرات در سوم مهرماه 1367، درباره مسائل گوناگون جنگ و قطعنامه 598 در نیویورک ادامه یافت.

در حال علامه محقق، "محمد جواد نجفی"، صاحب تفسیر آسان (1377 ش)، آیت‌الله شیخ محمد جواد نجفی، از نویسندگان و عالمان معاصر، در سال 1302 ش (1342 ق) در یکی از روستاهای توابع خمین در استان مرکزی به دنیا آمد. وی پس از فراگیری علوم مقدماتی، در بیست سالگی جهت ادامه تحصیل به اراک و تهران رفت و در فقه، اصول، تفسیر و علوم عقلی به تبحر رسید. آیت‌الله محمد جواد نجفی همچنین از حضرات آیات سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خویی و سید محمد هادی میلانی، سمت نمایندگی و نیابت امور شرعی داشت. ایشان سال‌های زیادی از عمر خویش را به تالیف و تصنیف آثار ارزشمند گذراند و در این راه، همت می‌ورزید. از این استاد محقق، آثار متعددی بر جای مانده که مصباح الشیعه، لطایف الصلوة، زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی و نیز ترجمه کتب دیوان حضرت علی بن ابی طالب، کتاب المهدی و اثبات الوصیه از آن جمله‌اند. همچنین تفسیر آسان که شانزده جلد از آن به چاپ رسیده است از آثار ایشان است. این عالم ربانی و محقق گرانقدر، سرانجام در 3 شهریور 1377 ش برابر با دوم جمادی الاول 1419 ق در 75 سالگی بدو حیات گفت و به جوار رحمت حق شتافت.

در گذشت "مبسه‌دی" مؤرخ و دانشمند بزرگ شیعه (345 ق)، ابوالحسن علی بن حسین بن علی مشهور به مسعودی، مؤرخ و محدث شیعه و از عالمان و فرهیختگان امامی است. وی به بسیاری از سرزمین‌ها مسافرت نمود و حقایق فراوان تاریخی و جغرافیایی را از اهل فن و بصیرت به دست آورد. مسعودی، جهانگردی را از سال 309 ق آغاز کرد و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی را از نزدیک مشاهده نمود که این سفرها، قسمت عمده‌ای از زندگانی او را تشکیل می‌دهند. به همین سبب، دو

جلت محدث بن، گ آت:rlm&آلله حاج "شيخ عباس، قمی،" صاحب مفاتيح الجنان(1359 ق)، حاج شيخ عباس بن محمد رضا بن أبي:rlm&القاسم قمی، از افاضل علمای قرن چهاردهم هجری قمری و از محدثین برجسته و آگاه شیعه به شمار می:rlm&آید. پس از تحصیلات مقدماتی خویش در قم، در سال 1316 قمری عازم نجف اشرف گردید و از محضر حاج میرزا حسین نوری استفاده کرد و در تألیفات استادش مساعدت نمود. پس از فوت استاد، به قم عزیمت کرد و در همان جا به انجام وظایف دینی و تألیف کتاب:rlm&های ارزنده پرداخت. ایشان در طول عمر خویش ده:rlm&ها کتاب که هر يك در جای خود قابل تامل و تعمق می:rlm&باشد ارایه نمود. از جمله آثار ایشان، کتاب مفاتیح:rlm&الجنان است که مشتمل بر ادعیه و زیارات معصومین(ع) می:rlm&باشد و در خانه:rlm&ی هر فرد شیعی در کنار قرآن و نهج:rlm&البلاغه قرار گرفته است. از دیگر آثار شيخ عباس قمی می:rlm&توان به کتاب:rlm&های الانوار البهیة فی تواریک الحجاج الالهية، الباقیات الصالحات فی الادعية وَ الصلوات المستحبات، سفينة البحار و مدينة الحکْم و الاثار، غایة المرام فی مناقب المرتضویه و منازل الاخره اشاره نمود. محدث قمی سرانجام پس از عمری تلاش و خدمت به اسلام و مسلمین و تحمل سختی:rlm&ها و مرارت زمان به ویژه در اواخر عمر که مصادف با توطئه:rlm&های دشمنان اسلام و دین زدایی رضاخانی بود، در ذي:rlm&الحجه:rlm&ی سال 1359 ق در 65 سالگی بدرود حیات گفت و پس از تشییع، در صحن مطهر امام علی(ع) در جوار استادش مرحوم حاج میرزا حسین نوری به خاک سپرده شد.

دگذشت "ویلیام هرشل"، ریاضی:rlm&دان و منجم برجسته آلمانی (1822م) سر ویلیام هرشل، ستاره:rlm&شناس آلمانی در 25 نوامبر 1738م در هانوفر از شهرهای آلمان به دنیا آمد. او تا نوجوانی به کار چوپانی مشغول بود و سپس مدتی به فراگیری موسیقی پرداخت. هرشل روزی کتابی درباره نجوم به دستش رسید و چون مطالعه کرد دریافت که برای فهم مطالب آن، محتاج دانستن پاره:rlm&ای از مباحث نور است و آن:rlm&گاه متوجه شد که مطالعه نور بدون دانستن ریاضیات ثمربخش نیست. لذا جبر و هندسه آموخت و پس از مدتی مطالعه درباره نور و نجوم، دیدار ستارگان به قدری او را به شوق آورد که خانه خود را به کارگاهی برای ساختن تلسکوپ تبدیل کرد. هرشل با کوشش فراوان موفق به ساخت تلسکوپي گردید که فاصله کانونی آن 11 متر و هفتاد سانتیمتر، قطر آینه:rlm&اش 147 سانتیمتر با وزنی در حدود يك تن بود. وی در سال 1782م هنگامی که با این تلسکوپ مشغول رصد ستارگان بود، ناگهان ستاره:rlm&ای دید که مانند سایر ستاره:rlm&ها به صورت يك نقطه نورانی نبود، بلکه هم:rlm&چون قرصی درخشان بود. هرشل به زودی دریافت که سیاره تازه:rlm&ای را کشف کرده و معلوم ساخت که پهنه منظومه شمسی وسیع:rlm&تر شده است. این سیاره، اورانوس نام گرفت و هرشل با این کشف، دستگاه منظومه شمسی را که از زمان قدیم، محدود به سیاره زحل بود وسعت داد. او هم:rlm&چنین دو قمر اورانوس را نیز کشف نمود. کشف هرشل غوغایی در مجامع علمی به پا کرد و او را غرق در افتخار نمود، به طوری که به او عنوان کاشف اعماق آسمان لقب دادند. هرشل در ادامه کارهای اخترشناسی خود اعلام کرد که خورشید در آسمان ثابت نیست و تغییر مکان می:rlm&دهد و سیارات را همراه خود می:rlm&برد. وی فهرستی از دو هزار و پانصد سحابی تشکیل داد و گفت این سحابی:rlm&ها مجموعه:rlm&ای از ستارگان و توده:rlm&هایی از گاز هستند. رصدهای متعدد و تحقیقات عمیق نجومی هرشل در باب ستارگان، موجب شد که وی يك نظریه جامع در باب جهان پرستاره مطرح کند. او نخستین کسی بود که صراحتاً گفت منظومه شمسی جزء بسیار کوچکی در جهان ستارگان است. ویلیام هرشل در پایان عمر به ریاست جامعه پادشاهی و عضویت آکادمی علوم فرانسه انتخاب شد و افتخاری جهانی به دست آورد تا این:rlm&که در روز 25 اوت 1822م در 84 سالگی درگذشت.

کتاب تاریخی وی یعنی مَرُوجُ الدَّهَبُ وَ التَّنْبِيهِ وَ الاشراف، از اعتبار بالایی نزد محققین برخوردارند. به علاوه، وی وقایع تاریخی را حکایت:rlm&گونه بیان کرده و به تحلیل آن:rlm&ها به ویژه از لحاظ اجتماعی پرداخته است.